

مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (پیمایش شهر کرج)

تاریخ پذیرش: 1397/03/18

تاریخ دریافت: 1396/01/23

حمید فاطمی موحد¹، عیسی مهرعلیزاده²، حمید اللهیاری³

از صفحه 27 تا 52

چکیده

زمینه و هدف: احساس امنیت اجتماعی از جمله مقولات مهم در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود و مقدمه‌ای لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است. احساس امنیت، پدیده‌ای روان شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرج می‌پردازد. این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را کلیه افراد بالای 15 سال سن را تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه آماری تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده و بر این اساس 315 بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر احساس امنیت اجتماعی در شهر کرج پایین‌تر از حد متوسط است. نتایج جدول همبستگی دو متغیره همچنین بیانگر آن است که بین اعتماد فردی و مشارکت عینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای مستقل 13 درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شهر کرج.

1- استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) hfatemi87@yahoo.com

2- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

3- دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهم‌ترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. از آن هنگام که انسان برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت تاکنون که به دنبال عصر صنعتی شدن، سرعت و تکنولوژی رویای برتری بر هموعان و جهان پیرامون خود را از طریق وسایل پیشرفته نظامی و اتمی در سر می‌پروراند، امنیت چه در بُعد روانی آن و چه در بُعد فیزیکی همواره یکی از دغدغه‌های همیشگی او بوده است. حوادث پس از جنگ سرد، فروپاشی کمونیسم و جنگ جهانی دوم و غالب شدن ادبیات و رویکرد آمریکایی در حوزه علوم سیاسی و استراتژیک جهان، مفهوم امنیت ملی¹ را در ادبیات سیاسی اکثر کشورهای جهان وارد کرد.

متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت‌های ساده اولیه که جنبه فیزیکی و محسوس داشت، عوامل پنهان و غیر فیزیکی امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روز به روز اهمیت بیشتری پیدا کرد. به همین دلیل مقوله امنیت اجتماعی که مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده امنیت ملی است در سال‌های اخیر در سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهد ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ) تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه). غالباً این تهدیدات با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها، ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، 54:1378). بوزان معتقد است که

امنیت دارای 2 بُعد است، بُعد عینی (حفاظت در برابر خطر) و امنیت ذهنی (احساس ایمنی) (بوزان، 53:1378).

بیان مسأله

به واسطه تغییراتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید مشخص شد که بُعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل انکاری پیدا کرده است چرا که این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تفکیک نیست (دلاور، 5:1380). عدم توجه به مقوله احساس امنیت اجتماعی خسارات زیادی را به بار خواهد آورد. احساس ناامنی در جامعه، موجب کاهش سطح بهداشت روانی شده و تحقق این ناامنی، سلب اعتماد اجتماعی را پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، جامعه دچار گسست‌هایی در شبکه روابط اجتماعی می‌شود. در واقع احساس ناامنی باعث به وجود آمدن تنش، اضطراب، بی‌قراری و حتی بیماری‌های روانی خواهد شد.

فقدان احساس ناامنی در جامعه باعث می‌شود که افراد از حوزه عمومی کناره‌گیری کرده و زندگی و فعالیت‌های خود را در ترس و انزوا ادامه دهند. بدون شک در چنین شرایطی امکان تحقق آرمان‌ها و اهداف و تحولات مثبت جامعه محقق نگردیده و رشد و اعتلای آن از حد یک برنامه‌ریزی فراتر نخواهد رفت. اما تحقق امنیت ذهنی که در واقع بُعد روانی امنیت را نظاره‌گر است می‌تواند بستر پیشرفت و توسعه جامعه باشد و آن را به سمت جامعه‌ای بهتر سوق دهد. با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی خود در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس آرامش خواهد داشت. وجود احساس امنیت در جامعه منجر به تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی می‌شود. شخصیت‌هایی که در آن روح جمع‌گرایی تقویت شده است. یکی از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی عبارت است از تمام ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان‌ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی (پاتنام، 1993: 167). «سرمایه اجتماعی آن نوع شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که قرین همبستگی و

انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت و انرژی لازم برای تسهیل کنش در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی باشد» (عبداللهی و موسوی، 1386: 212). در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرج هستیم.

ضرورت و اهمیت پژوهش

مفهوم امنیت به تدریج با توسعه بیشتری تحول یافته و دارای ابعاد تازه‌ای شده است. به گونه‌ای که امروز امنیت را در توسعه و نه اسلحه داغ سراغ می‌گیرند، یعنی به جای تأکید انحصاری بر امنیت داخلی به تأکید بیشتر بر امنیت مردم، و به جای امنیت نظامی به امنیت در ادامه توسعه انسانی باید پرداخت (مؤذن جامی، 1384: 111). اهمیت مفهوم امنیت بر کسی پوشیده نیست. برای مثال در رابطه با نقش امنیت در توسعه اقتصادی هر جامعه می‌توان گفت بدون وجود امنیت در ابعاد مختلف آن هیچ سرمایه‌گذاری جدیدی اعم از داخلی و خارجی در کشور صورت نخواهد گرفت، یا انجام این سرمایه‌گذاری‌ها بسیار اندک خواهد بود و جامعه دستخوش نابسامانی‌های اقتصادی مانند گسترش اقتصاد دلالی، فرار سرمایه‌ها، کاهش اشتغال، افزایش بیکاری و انواع معضلات اقتصادی خواهد شد. برعکس، با وجود امنیت اقتصادی در یک جامعه، شاهد جذب سرمایه‌ها، رونق اقتصادی، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و افزایش تولید خواهیم بود. امنیت برای کلیه نظام‌های سیاسی و شهروندان، صرف نظر از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی نوع ایدئولوژی مهم‌ترین و با اولویت‌ترین مسئله بشمار می‌آید. بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و نیز شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نخواهد بود و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکا پذیر نیست. اصولاً محققان معتقدند که انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می‌دهد نیاز به امنیت و احساس امنیت دارد. در واقع احساس امنیت امروزه اهمیتی برتر را نسبت به خود امنیت و بُعد عینی آن پیدا کرده است، همچنان که بسیاری از اندیشمندان معتقد هستند که احساس امنیت است که انسان را به سوی اهداف رهسپار می‌کند نه خود امنیت. از این

رو مقوله‌ای این چنین مهم، جدای از افزایش تعاملات بین افراد جوامع می‌تواند عاملی در جهت توسعه و پیشرفت مملکت باشد.

مبانی نظری

در نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. به نظر او، سرمایه اجتماعی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل؛ شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیر برخوردار است، همکاری آسان‌تر است (پاتنام، 1384:95). به نظر پاتنام ویژگی‌های حیات اجتماعی - شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد - که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا با یکدیگر عمل نمایند و به صورت مؤثرتر و کارا تر اهداف مشترک‌شان را محقق سازند، در نتیجه سرمایه اجتماعی به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد ملازم با آن اشاره دارد.

سازمان همکاری توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی را در قالب نهادها، روابط و هنجارها که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند (بانک جهانی)، شبکه‌های توأم با هنجارها، ارزش‌ها و درک مشترک که تعاون و همکاری را در درون و میان گروه‌ها تسهیل می‌کنند، تعریف کرده است و نیز عنوان شده؛ سرمایه اجتماعی دلالت بر حالتی از سازمان اجتماعی چون؛ مشارکت مدنی، هنجارهای تبادل و اعتماد به دیگران، دارد که همکاری و تعاون را برای نفع متقابل تسهیل می‌نمایند (مک‌گیلیواری، 2002). در نگاه بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند. سرمایه اجتماعی صرفاً شامل مجموعه‌ای از نهادهای یک جامعه نمی‌شود، بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای فعال ذخیره شده در میان اعضای جامعه مانند؛ اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترکی می‌شود که عمل همکاری را در بین اعضای شبکه‌ها و اجتماعات انسانی، امکان‌پذیر می‌سازد (کوهن و پروساک، 2001:4).

پاتنام مدنیت و سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی را پیش شرط توسعه اقتصادی و حکومت کارآمد دانسته است، او برای تبیین این موضوع، سه رویکرد مختلف را بازگو می‌کند. در رویکرد اول؛ بر عوامل اجتماعی - اقتصادی تأکید می‌شود. در این رویکرد، مدرنیته اقتصادی - اجتماعی، شرط اول موفقیت یک حکومت دموکراتیک است و به شاخص‌های وجود طبقه متوسط قوی، شهرنشینی، سطح سواد، سطح درآمد سرانه و صنعتی شدن توجه می‌کنند. لیپست، مهم‌ترین نظریه‌پرداز این رویکرد است که توسعه اقتصادی را مهم‌ترین عامل ایجاد دموکراسی کارآمد می‌داند. در رویکرد دوم؛ بر اصلاحات در ساختارهای رسمی تأکید می‌شود و معتقد است، اصلاح نهادهای رسمی بر عملکرد سیاست و حکومت تأثیر می‌گذارد. در این رویکرد به چارچوب نهادی و قانونی حکومت دموکراتیک اهمیت داده می‌شود. در رویکرد سوم؛ بر عوامل فرهنگی تأکید می‌شود. در این رویکرد شرط اصلی کارایی حکومت دموکراتیک، وجود فرهنگ و زندگی مدنی است. در فرهنگ مدنی مورد نظر پاتنام، فرد تنها به فکر خود و منافع کوتاه‌مدت خود نیست، بلکه براساس الگوی انتخاب منطقی، نفع شخص‌اش را در همکاری با دیگران و عمل جمعی می‌داند (پاتنام، 1384:99). از نظر پاتنام، سازمان اجتماعی ویژگی‌هایی دارد که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند.

لوهمان معتقد است که اعتماد را باید در رابطه نزدیک با مخاطره در نظر گرفت. از دیدگاه لوهمان اعتماد راه حلی برای مسائل مربوط به ریسک و مخاطره است و افراد باید اعتماد را به عنوان ابزار مقاومت در برابر پیچیدگی به کار بندند (زتومکا، 1386:46). از نظر گیدنز، اعتماد در روند احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی مهم است (گیدنز، 1384:181). وی سه نوع اعتماد را تشخیص می‌دهد: 1- اعتماد بنیادین، 2- اعتماد بین شخصی، 3- اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به نظام‌های تخصصی (گیدنز، 1377:126). وی با بر شمردن منابع نامنی و اعتماد در دنیای مدرن و سنتی تأکید می‌کند که در دنیای سنتی افراد نسبت به آنچه اتفاق می‌افتد و حتی نسبت به آینده یک استدلال ماورایی را جستجو کرده و آن را سرنوشت مقدر خود می‌دانستند و به نوعی خود را در شکل‌گیری آن دخیل نمی‌دانستند، بنابراین نسبت به آن احساس نگرانی نمی‌کنند. اما در دنیای مدرن، با ورود به نظام‌های مجدد به عنوان

بازتولید آن مفاهیم در دنیای مدرن، زندگی انسان آن چنان تحت تأثیر این نظام‌هاست که همواره احساس نگرانی نسبت به امنیت وجودی یعنی احساس ناامنی در زندگی بشر حضور دائمی دارد (بیات، 1388: 109).

در نگاه فوکویاما، سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است. او در تعریف سرمایه اجتماعی بیشتر بر هنجارها و ارزش‌های غیررسمی تکیه کرده و آن را این‌گونه تعریف می‌کند؛ سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم هستند (فوکویاما، 1379: 10). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی، شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود (فوکویاما، 1384: 169). فوکویاما سرچشمه سرمایه اجتماعی را در منابع زیر جستجو می‌کند:

1- هنجارهایی که به صورت نهادی ساخته شده‌اند؛ این هنجارها در نتیجه کنش هدفمند مؤثر بر اجتماع، به طور کلی مثلاً از طریق نهادی مانند دولت تدوین می‌شوند، نهادهای رسمی مانند قوانین و نظام‌های قانونی نیز در طول زمان هنجارهای رسمی درست می‌کنند، این هنجارها به دو صورت عقلانی و غیرعقلانی وجود دارند.

2- هنجارهای خودجوش؛ این هنجارها از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند. هنجارهای تعاونی و همکاری متقابل، نمونه‌ای از هنجارهای خودجوش هستند.

3- هنجارهای برون‌زاد؛ یعنی هنجارها از جاهایی غیر از همان جایی که در آن به کار رفته است سرچشمه می‌گیرند. دین، ایدئولوژی و فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک در این خصوص دارای اهمیت هستند. این هنجارها با ارزش‌های معنوی سنتی مانند؛ صداقت، پایبندی به تعهدات، عملکرد، قابلیت اطمینان در انجام وظایف (وظیفه‌شناسی)، رابطه متقابل و نظیر آن، مرتبط هستند (فوکویاما، 1379: 11-13). فوکویاما معتقد است جوامع مدرن به جای آن که درصدد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند، در جستجوی تأسیس نهادهایی

چون؛ حکومت متکی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتارهای اعضای خود را نظام‌مند کنند. او معتقد است جامعه مدرن بدون پشتوانه مذهب، فرهنگ و سنت تاریخی از پایه فرو خواهد ریخت.

گروه‌های اجتماعی سنتی به فقدان چیزی دچارند که گرانوتر آن را «پیوندهای سست»، یعنی وجود افرادی کژآیین، در حاشیه شبکه‌های گوناگون جامعه می‌نامد که قادرند بین گروه‌ها حرکت کنند، از گروهی به گروهی دیگر بروند و از این راه به صورت حاملان افکار و اطلاعات تازه درآیند. جوامع سنتی غالباً حالت قطعه قطعه دارند و به دیگر معنا، مرکب از تعداد زیادی واحدهای اجتماعی یکسان و خودکفا، از قبیل روستاها و قبایلند. جوامع مدرن، برعکس، از تعداد زیادی گروه‌های اجتماعی که با هم هم‌پوشانی دارند، تشکیل شده‌اند. به همین سبب در جوامع مدرن، عضویت در چند گروه و هویت متکثر ممکن است. در جوامع سنتی کمتر به پیوندهای سستی که در بین قطعات تشکیل دهنده آن وجود دارد، اجازه داده می‌شود ارتباط بین قطعات را برقرار سازند و بنابراین، اطلاعات، نوآوری، منابع و استعدادهای انسانی با سهولت کمتری انتقال می‌یابد (فوکویاما، 174:1384).

فوکویاما، یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان مقدار سرمایه اجتماعی را مشکل می‌داند. به نظر او شاید اطلاعاتی درخصوص گروه‌ها و زیرمجموعه‌های آنها وجود داشته باشد، اما اتفاق نظر مشخصی درخصوص تفاوت‌های کیفی این اطلاعات در دسترس نیست. او برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از روش جایگزینی استفاده می‌کند. به نظر او، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را با وجود انحرافات اجتماعی از قبیل؛ میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روش‌های مرسوم، اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی، خواهد بود.

فوکویاما سرمایه اجتماعی را جزء اساسی جامعه مدنی می‌داند و در عین حال معتقد است نهادهای جامعه مدنی، در ایجاد سرمایه اجتماعی و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مدنی، نقش کلیدی دارند. شناخت ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی جامعه مدنی و

محیط انجمنی، مانند حکومت محلی، برای درک سرمایه اجتماعی ضرورت دارد. شواهد نشان می‌دهند که سطح بالای سرمایه اجتماعی مدنی ایجاد موعسسات کارا تر را تسهیل می‌نمایند. سرمایه اجتماعی، نوعی توانایی است که از گسترش اعتماد در یک یا بخش‌های خاصی از آن ناشی می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند در کوچک‌ترین و پایه‌ای‌ترین گروه اجتماعی، یعنی خانواده و نیز در بزرگ‌ترین گروه یعنی ملت و در همه گروه‌های دیگر مابین این‌ها تجسم یابد. سرمایه اجتماعی از دیگر اشکال سرمایه انسانی متفاوت است، چرا که معمولاً از طریق سازوکارهای فرهنگی نظیر؛ مذهب، سنت یا عادت تاریخی، انتقال پیدا می‌کند. بنابراین، سرمایه اجتماعی از روابط نهادی یک جامعه مدنی شاداب و مبتنی بر فردگرایی همبستگی‌محور و شهروندی فعالانه تشکیل شده است (پاول، 1387: 132).

تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی پلی بین فرد و جمع ایجاد کرد. بدیهی است که او سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی فرد در نظر می‌گیرد، اما آن را ساخته منابع ساختاری اجتماعی می‌داند (کلمن، 1994: 302). در تعیین این نکته که چگونه این منابع را می‌توان در عمل به کار برد، کلمن معتقد بود که دو عنصر تعهدات و اعتماد، نقش مهمی را در این زمینه بازی می‌کنند. کلمن عنوان می‌نماید؛ سرمایه اجتماعی به واسطه محاسبه عقلانی کنشگران شکل نمی‌گیرد، بلکه به عنوان محصول فعالیت‌های درگیر در سایر مقاصد، ایجاد می‌گردد (کلمن، 1994: 312). کلمن باور داشت که فرسایش نهاد خانواده و دیگر نهادهای اولیه، منجر به انتقال مسئولیت جامعه‌پذیری به سازمان‌های ساخته‌شده‌ای چون مدارس، شده است که باعث کاهش بلندمدت سرمایه اجتماعی که نظم و کارکرد جامعه‌ای به آن وابسته است، می‌شود. از نظر کلمن، خویشاوندی به طور کلی و خانواده به طور خاص، نشان‌دهنده یک پایه مهم جامعه می‌باشند. او به تحقق کنترل اجتماعی ریشه‌دار، حاصل مجموعه‌ای از تنظیمات مصنوعی، کاملاً بدبین بود. هرچند که در چارچوب نظریه کلمن، هم‌چنان امکان این‌که بعضی اشکال ساخته شده از سازمان، از سایر اشکال آن برای ارتقای سرمایه اجتماعی مفیدتر باشند، کلمن به ماهیت بین‌نسلی پیوندهای مذهبی توجه می‌کند و بر این مبناست که به غیر از خانواده، از سازمان‌های مذهبی یاد می‌کند که نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهند. بنابراین، آن‌ها از اندک سازمان‌هایی هستند که در آن‌ها سرمایه

اجتماعی افراد بالغ اجتماع، برای کودکان و نوجوانان هم قابل استفاده می‌باشد(کلمن، 1990: 336).

هرچندکه سازمان‌های مذهبی، بسیار نحیف هستند و پیام عقلانی آن‌ها در تأیید معنوی بودن‌شان به صورت فزاینده‌ای از جانب رقبای آن‌ها نیز شنیده می‌شود. او می‌پذیرد که اشکال نخستین سازمان، با درجه بسته بودن زیادشان، دیگر نمی‌توانند پایه‌ای استوار و کلی برای کنش جامعه‌ای در بین کنشگران فردی محاسبه‌گر باشند. با این حال، وی به طور کامل متقاعد نشده که اشکال سازمانی نوین بتوانند انسجام هنجاری و بستگی شبکه‌ای که برای تضمین رشد جوانان موردنیاز است را فراهم آورند. توجه به اشکال نخستین سازمان در نظر پورتس،¹ اشاره به این واقعیت دارد که کلمن بیشتر تمایل دارد بر نقش پیوندهای نزدیک و متراکم تأکید نماید و پیوندهای ضعیف و سست را کم‌اهمیت جلوه دهد(پورتس، 1998: 5).

به زعم بوردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان مجموع منابع بالقوه و بالفعلی است که اعضاء یک گروه را به هم پیوند داده و هریک از اعضاء را برای مراجعه به سرمایه جمعی مشترک آماده می‌کند(بوردیو، 1986: 249). تأکید بر شبکه‌های اجتماعی است که دستیابی به منابع گروهی را فراهم می‌کند. دستاورد سرمایه اجتماعی این است که در نهایت از طریق مشارکت مداوم در شبکه به منظور افزایش فواید دوجانبه، پاداش اقتصادی نیز به همراه دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی، سازوکاری است که از طریق روابط و پیوستگی‌های اجتماعی امکان دسترسی به منابع را موجب می‌شود. در نتیجه حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به شیوه‌ای مؤثر بسیج کند و نیز وابسته به حجم سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادین در اختیار کسانی است که وی با آنان مرتبط است. در نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی‌شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها می‌باشد. درواقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشد، یعنی شبکه روابط مثبت و مبتنی بر اعتماد است. او بر رابطه بین ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی تأکید می‌کند. از یک

سوی، ساختارهای عینی قرار می‌گیرند که مبنای صورت‌های ذهنی را تشکیل می‌دهند و الزام‌های ساختاری را که بر کنش‌های متقابل وارد می‌شوند، تعیین می‌کنند؛ اما از سوی دیگر، اگر کسی خواسته باشد تلاش‌های روزانه فردی و جمعی را که در جهت تغییر و یا حفظ این ساختارها عمل می‌کنند بررسی کند، باید صورت‌های ذهنی را در نظر گیرد (ریتزر، 1377: 716). او به رابطه دیالکتیکی بین ساختارهای عینی و صورت‌های ذهنی توجه دارد.

سرمایه اجتماعی برای بورديو، موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. بورديو تطابقی میان جایگاه اجتماعی و ذائقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. نزد بورديو موقعیت افراد با توجه به دسترسی‌شان به سرمایه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی تعیین می‌شود. ذائقه‌های شبکه‌های اجتماعی خاصی را فعال می‌کنند که این شبکه‌ها نیز سبب تقویت هنجارها و عضویت‌ها می‌شوند. ایجاد موقعیت‌ها و برقراری روابط صحیح و طرق خاصی که افراد در کنش‌های متقابل به کار می‌گیرند، همگی تجلی سرمایه اجتماعی است و دسترسی به سرمایه اجتماعی برای بیشتر مردم به میزان‌های بیشتر سرمایه اقتصادی و فرهنگی ارتباط دارد که آن‌ها را در کسب آگاهی و روابط بیشتر کمک می‌کند. بنابراین، در نگاه بورديو، سرمایه اجتماعی وابسته به سرمایه اقتصادی است و وجود و سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش سرمایه اقتصادی است.

پیشینه پژوهش

بحری‌پور و دیگران (1391) رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، (مطالعه موردی شهرستان کاشان) را مورد مطالعه قرار دادند. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، در بین ساکنان 18 سال و بالاتر شهرستان کاشان، در سال 1391 به انجام رسیده است، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده و حجم نمونه مورد مطالعه 362 نفر است. نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی شهروندان بر احساس امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است، هم‌چنین بین سه بُعد از چهار بُعد اندازه‌گیری شده در

این پژوهش؛ یعنی اعتماد اجتماعی، شبکه مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده شده و این تفاوت در بُعد هنجار عمل متقابل مشاهده نشده است؛ ضمن این که بین متغیرهای جنس، سن، وضعیت تاهل، شغل، مقطع تحصیلی و میزان هزینه خانواده با احساس امنیت اجتماعی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج حاصل از تحلیل مسیر در این پژوهش نیز نشان داد که متغیرهای مستقل آگاهی، اعتماد و مشارکت اجتماعی دارای اثرگذاری مثبت و هم‌چنین متغیرهای مستقل سن و هنجار عمل متقابل دارای اثرگذاری منفی بر روی متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی هستند.

عنایت و همکاران (1391)، در پژوهشی به مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان 15-25 ساکن شهرهای شیراز و یاسوج پرداخته‌اند. این پژوهش براساس تئوری گیدنز و روش پیمایشی انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بیشتر تحت‌تأثیر اعتماد قرار دارد تا محل سکونت آن‌ها و هم‌چنین اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و نهادی، هر دو موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شوند؛ اما تأثیر اعتماد نهادی بر افزایش احساس امنیت سیاسی و قضایی چندین برابر تأثیر اعتماد تعمیم یافته است، در نهایت این که میزان احساس امنیت عمومی و اقتصادی به همان اندازه‌ی اعتماد نهادی، تحت تأثیر اعتماد تعمیم یافته قرار دارد.

نیازی و دیگران (1390) رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق وجود همبستگی معنی‌دار بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران را نشان می‌دهد. نوع رابطه مثبت و بیانگر این امر است که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان، شاهد افزایش احساس امنیت اجتماعی در بین آنان خواهیم بود. گروسی پژوهشی با عنوان بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت، به روش مطالعه موردی و استفاده از ابزار پرسشنامه با حجم 88 نفر و با ملاک قرار دادن متغیر احساس امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و متغیر اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر مستقل به این نتایج دست یافته که: 1. از سه مؤلفه

اعتماد اجتماعی (اعتماد بنیادی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد بین شخصی) فقط اعتماد بین شخصی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار نشان داده است. 2. از میان متغیرهای زمینه‌ای قومیت دانشجویان و میزان درآمد خانواده آن‌ها با احساس امنیت رابطه معنادار نشان داده است.

نادری و دیگران (1389) بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در شهر اردبیل نتایج حاکی از رابطه معنادار بین احساس امنیت اجتماعی و جنسیت دارد؛ بنابراین زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی می‌نمایند. در حالی که ارتباط احساس امنیت با مؤلفه‌های سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و درآمد ماهیانه خانواده معنادار نیست، ولی رابطه معناداری بین هزینه‌های خانواده و نوع شغل افراد و محل سکونت با میزان احساس امنیت وجود دارد. هم‌چنین بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی موجود است و از این میان اعتماد اجتماعی 13 درصد تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌نماید.

نادری و جاهد (1389) در پژوهشی که در زمینه رابطه امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه مورد شهر اردبیل) انجام گرفته است، تأثیر مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی نظیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی بر اساس امنیت اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفته است و نتایج حاصل از پژوهش بدین شرح است که بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، یعنی هرچه میزان سرمایه اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان اندازه احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. تمامی مؤلفه‌های ذکر شده رابطه معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی دارند و در تحلیل نهایی شاخص اعتماد اجتماعی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی نشان داده است.

صفری شالی (1386)، در پژوهشی به بررسی رابطه دو سازه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی می‌پردازد. نتایج آن نشان می‌دهد امنیت اجتماعی بالاترین ضریب همبستگی را با سرمایه اجتماعی دارد و در مدل‌یابی معادلات ساختاری مشخص شد که بالاترین ضریب مسیر را بر سرمایه اجتماعی داشته است. از طرف دیگر وجود و گسترش سرمایه اجتماعی خود باعث بازتولید امنیت اجتماعی می‌گردد و در صورت فرسایش هر یک، دیگری دچار فرسایش خواهد شد. ردادی (1387)، در پژوهشی به موضوع سرمایه

اجتماعی و امنیت اجتماعی پرداخته است، او بیان می‌کند که اعتماد در جامعه بیمار تولید نمی‌شود و در واقع جرم، جنایات و انحرافات اجتماعی بازتاب نبود سرمایه اجتماعی است و یکی از راه‌های مهم افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه را تقویت هنجارهای اجتماعی می‌داند. هنجارها موجب تقویت همیاری، انسجام بخشی و کاهش کنترل رسمی شهروندان می‌شود و به این صورت امنیت اجتماعی را تقویت می‌کند.

پاتنام (2000) دریافت شاخص ترکیبی او درباره سرمایه اجتماعی، همبستگی منفی با میزان قتل در کل آمریکا و با نزاع که او به عنوان نماد رفتار خشن در نظر می‌گیرد، بررسی‌های دیگر، مواردی را در آمریکا گزارش کرد که نشان می‌دهد حتی با کنترل فقر و عوامل دیگر که ممکن است رفتار مجرمانه تقویت کند، مناطقی با این ویژگی‌ها شناخته می‌شوند: گمنامی و آشنایی محدود بین ساکنان، گروه‌های همسان خارج از کنترل نوجوانان و سطح پایین مشارکت مدنی به سمت خطر فزاینده جرم و خشونت رو می‌کنند. هاپرن (2001) با استفاده از داده‌های یک پیمایش بین‌المللی قربانیان جرم، برای اندازه‌گیری نرخ جرم و سرمایه اجتماعی در 18 کشور، دریافت دو سوم تنوع فراملی در میزان جرم می‌تواند با سطوح بی‌عدالتی اقتصادی، رفتار خودخواهانه و اعتماد اجتماعی قابل توجیه باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- 1- بین اعتماد بین فردی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- 2- بین اعتماد به نهادهای تخصصی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- 3- بین مشارکت ذهنی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- 4- بین مشارکت عینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- 5- بین متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی

روش بکار گرفته شده در این پژوهش از نوع کمی است و در آن از تکنیک پیمایش و ابزار آن پرسشنامه است. برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این

پژوهش را کلیه افراد بالای 15 سال شهرستان کرج تشکیل می دهند. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با 315 نفر تعیین گردید. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش، از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای است. پس از تکمیل پرسشنامه، تمام اطلاعات در رایانه ثبت گردید و با استفاده از نرم افزار spss به تحلیل آن‌ها پرداختیم. برای سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ شاخص‌ها تقریباً بالای 0/7 درصد است که مناسب می باشد.

یافته های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

از تعداد 315 نفر افراد نمونه 205 نفر مرد و تعداد 110 نفر زن می‌باشد. کمترین سن پاسخگویان 15 سال و بیشترین 75 سال بوده و میانگین سن افراد نیز برابر با 29/86 است. اکثر افراد مورد بررسی درآمدی بین 501 هزار تا 1 میلیون تومان دارند. تقریباً 0/63 از کل افراد مورد بررسی مجرد و 0/37 باقیمانده متأهل هستند.

جدول 1- مقایسه نتایج آمار توصیفی تک متغیره

شهر کرج			
ردیف	متغیر	تعداد پاسخگویان	میانگین
1	احساس امنیت جانی	297	13/19
2	احساس امنیت مالی	291	13/33
3	اعتماد به نهاد های تخصصی	286	20/23
4	اعتماد بین فردی	279	18/49
5	مشارکت عینی	294	19/39
6	مشارکت ذهنی	300	18/84

با توجه به جدول بالا و تعداد گویه های استفاده شده برای سنجش هر متغیر و میانگین‌های ارائه شده می‌توان گفت که احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، اعتماد نهادی، اعتماد بین فردی کمتر از حد متوسط و مشارکت عینی و مشارکت ذهنی بالاتر از حد متوسط هستند.

ب) یافته‌های استنباطی

دو متغیری که سطح سنجش‌شان هر دو در سطح فاصله‌ای باشد، معمولاً ساده‌ترین آزمون آماری برای نشان دادن رابطه‌شان، ضریب همبستگی پیرسون است. جدول زیر همبستگی دوجه دوی متغیرها را نشان می‌دهد.

فرضیه اول: بین اعتماد بین فردی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول 2- نتایج آزمون احساس امنیت اجتماعی و اعتماد نهادی

متغیرها	تعداد پاسخگویان	r پیرسون	معناداری
اعتماد نهادی احساس امنیت اجتماعی	244	0/09	0/07

با توجه به اینکه مقدار r پیرسون برابر با 0/09 و سطح معناداری که برابر با 0/07 است، می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد نهادی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد و فرضیه ما رد و فرض H_0 تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین اعتماد به نهادهای تخصصی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول 3- نتایج آزمون احساس امنیت اجتماعی و اعتماد فردی

متغیرها	تعداد پاسخگویان	r پیرسون	معناداری
اعتماد فردی احساس امنیت اجتماعی	238	0/27	0/00

با توجه به اینکه مقدار r پیرسون برابر با 0/27 و سطح معناداری که برابر با 0/00 است، می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد فردی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد و فرضیه ما تأیید و فرض H_0 رد می‌شود.

فرضیه سوم: بین مشارکت ذهنی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد

جدول 4- نتایج آزمون احساس امنیت اجتماعی و مشارکت ذهنی

متغیرها	تعداد پاسخگویان	r پیرسون	معناداری
مشارکت ذهنی احساس امنیت اجتماعی	250	0/05	0/2

با توجه به اینکه مقدار r پیرسون برابر با $0/05$ و سطح معناداری که برابر با $0/2$ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین مشارکت ذهنی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد و فرضیه ما رد و فرض H_0 تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین مشارکت عینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد

جدول 5- نتایج آزمون احساس امنیت اجتماعی و مشارکت عینی

متغیرها	تعداد پاسخگویان	r پیرسون	معناداری
مشارکت عینی احساس امنیت اجتماعی	246	0/11	0/03

با توجه به اینکه مقدار r پیرسون برابر با $0/11$ و سطح معناداری که برابر با $0/03$ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین مشارکت عینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد و فرضیه ما تأیید و فرض H_0 رد می‌شود.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول 6- نتایج آزمون χ^2 بر حسب جنسیت

متغیر	فراوانی	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار T	سطح معنی داری
مرد	157	38/47	2/16	2/22	0/02
زن	98	36/30			

چنان که جدول فوق نشان می‌دهد بین جنسیت و احساس امنیت رابطه‌ای معنادار وجود دارد. طبق این جدول احساس امنیت اجتماعی مردان بیشتر از زنان است.

جدول 7- نتایج آزمون f بر حسب وضعیت تأهل و احساس امنیت در شهر کرج

نام متغیر	Sum of squares	درجه آزادی	میانگین	f	معناداری
درون گروهی	3	20/36	63/35	0/32	0/81
وضعیت تأهل بین گروهی	208				

چنان که جدول فوق نشان می‌دهد بین وضعیت تأهل و احساس امنیت رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. طبق این جدول احساس امنیت اجتماعی در افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری ندارد.

جدول 8- احساس امنیت اجتماعی بر حسب سن افراد در شهر کرج

نام متغیر	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سن احساس امنیت اجتماعی	214	-0/006	0/46

چنان که جدول فوق نشان می‌دهد بین سن افراد و احساس امنیت رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. علت منفی ضریب پیرسون بدین معناست که با افزایش سن از احساس امنیت اجتماعی کاسته می‌شود. به عبارت دیگر افراد مسن از احساس امنیت کمتری برخوردارند.

تحلیل رگرسیون چند متغیره در شهر کرج

جدول 9- خروجی جدول تحلیل رگرسیون

ردیف	متغیر	B	Beta	T	Sig	R2
1	اعتماد نهادی	0/12	0/28	0/03	0/041	0/13
2	اعتماد فردی	0/56	0/33	3/11	0/002	
3	مشارکت عینی	0/07	0/04	0/38	0/14	
4	مشارکت ذهنی	-0/12	-0/075	-0/73	0/46	
5	سن	-0/01	-0/01	-0/16	0/87	

جدول بالا نشان می‌دهد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی 13 درصد است و 87 درصد باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این تحقیق تبیین گردد. از میان متغیرهای مستقل تحقیق، اعتماد فردی و اعتماد نهادی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنادار با متغیر وابسته هستند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق بر آن بودیم تا به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرج بپردازیم. احساس امنیت اجتماعی را برابر با دو مؤلفه احساس امنیت مالی و جانی در نظر گرفتیم. از سوی سرمایه اجتماعی را نیز دارای چهار مؤلفه اعتماد نهادی و اعتماد بین فردی، مشارکت عینی و مشارکت ذهنی دانستیم. نتایج پژوهش نشان داد که در شهر کرج احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، اعتماد نهادی، اعتماد بین فردی کمتر از حد متوسط و مشارکت عینی و مشارکت ذهنی بالاتر از حد متوسط هستند. نتایج پژوهش نشان داد که در شهر کرج، احساس امنیت جانی (2/63) و احساس امنیت مالی (2/66) است. چنان که دیده می‌شود هر دو مؤلفه احساس امنیت اجتماعی کمتر از حد متوسط است. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد مردم در شهر کرج بیشتر از جان خود نسبت به مال خود احساس ناامنی می‌کنند.

نتایج جداول همبستگی نیز نشان داد که بین اعتماد بین فردی و مشارکت عینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. می‌توان گفت که اعتماد بین افراد جامعه در کشور ما هنوز از اهمیت و آفری برخوردار است و همین اعتماد باعث بالا رفتن سطح مشارکت عینی شده و باعث گردیده تا منبعی امید بخش برای احساس امنیت باشد که نشان از تأیید پشتوانه نظری پژوهش دارد. اعتماد به عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل‌گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه است. اعتقاد، موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می‌شود و در تقویت، ارتقاء اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی مؤثر است. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است که زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد، مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. اعتماد، متضمن تمایل به پذیرش مخاطرات در یک متن اجتماعی است. ما بر مبنای اطمینانی که به دیگران داریم این انتظار را داریم که آن‌ها به ما پاسخ دهند و یا حداقل قصد صدمه و آسیب‌زدن به ما را نداشته باشند. اعتماد، انتظاری است که نظم اجتماعی و رفتار تعاونی و شرافتمندانه مبتنی بر هنجارهای مشترک عمومی را ارتقاء می‌دهد و اعضای اجتماع را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این هنجارها می‌توانند مربوط به پرسش‌های عمیقی چون ذات

خداوند یا عدالت باشند. اما آن‌ها می‌توانند شامل هنجارهای عرفی مانند؛ معیارهای حرفه‌ای و رموز رفتاری نیز باشند (فوکویاما، 1995: 26).

در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار برای تضمین دادوستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد. اعتماد در روابط بین انسان‌ها و کنش‌های آن‌ها نمود پیدا می‌کند. به خصوص در آن دسته از کنش‌هایی که جهت‌گیری معطوف به آینده را دارند (کلمن، 1377: 27). به عبارت دیگر اعتماد، ایستاری است که معطوف به دیگران است و حالتی از راحتی، اطمینان و اتکاپذیری را در بردارد. وقتی که ما نسبت به آینده اطمینان قطعی داریم، نیاز به اعتماد نداریم. اعتماد با عدم قطعیت و عدم کنترل آینده پیوند پیدا می‌کند. به همین دلیل آن را منبعی بنیادی برای عمل کردن دانسته‌اند. اعتماد، انتظارات مناسب در مورد کنش‌های دیگران است، کسانی که نسبت به انجام کنش‌شان تعهد دارند، رابطه متقابل، انتظارات و اقدام به کنش مساعد، جوهر و محتوای اعتماد را تشکیل می‌دهند. به گونه‌ای که نوع انتظاراتی که باید برآورده شوند، محتوای اعتماد را تغییر می‌دهند و به آن خصلت نسبی بودن را اعطاء می‌نمایند، زیرا انتظارات مربوط به اعتماد با توجه به ماهیت موضوعاتی که معطوف به اعتماد هستند، تغییر می‌یابد (زومکا، 1386). انتظار از حکومت با انتظار از یک شرکت تجاری متفاوت است و حتی در درون دستگاه حکومت، نوع انتظار از قوا و بخش‌های مختلف صورت یکسانی ندارد. البته این تفاوت عمدتاً ناشی از وجود انتظارات مختلفی است که هرکدام قرین با اعتماد ویژه‌ای هستند. مسعود چلبی نیز در تأیید اهمیت مشارکت و تعاملات انواع نظام‌های مبادله را بر اساس دو سطح مبادله ابزاری و اظهاری (ارتباط اجتماعی) تقسیم می‌کند. در مبادله متقارن سرد، طرفین مبادله دارای روگیری ویژه‌گرا و خنثی هستند و نوعی مبادله قراردادی محسوب می‌شود. مبادله نامتقارن سرد، از لحاظ اخلاقی، نوعی بده بستان منفی حاکم است و طرفین نسبت به یکدیگر احساس منفی دارند، لذا اغلب مبتنی بر زور و حيله است. در مبادله نامتقارن گرم تعامل انتشاری و عاطفی است و طرفین نسبت به یکدیگر احساس مثبت دارند. مبنای چنین مبادله‌ای معاشرت و دوستی است. نوع دیگر مبادله از نظر وی، مبادله متقارن گرم است. در این نوع مبادله

اولویت به نفع جمعی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته است. روابط اجتماعی در آن گرم و طرفین به فکر رفاه و آرامش یکدیگر هستند (بیات، 1380: 50). در واقع چلبی وجود روابط گرم، همدلی، ارتباط و تعامل اظهاری را نوعی احساس مثبت در جهت تأمین امنیت برشمرده و آن را باعث و منشا امنیت می‌داند.

تحلیل رگرسیون انجام گرفته در شهر کرج نشان داد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی 13 درصد است و 87 درصد باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این پژوهش تبیین گردد. از میان متغیرهای مستقل پژوهش، متغیرهای اعتماد فردی و نهادی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است.

اعتماد مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است. بطوری که بدون آن سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شکل نخواهد گرفت. یعنی بدون اعتماد ارتباطات بین افراد و مشارکت بین آن‌ها ناکام خواهد ماند و در چنین شرایطی است که عدم انسجام با هنجارها و کنش‌های متقابل بین افراد فروکش کرده، راه برای جرم و ایجاد بی‌نظمی و از هم گسیختگی اجتماعی باز خواهد کرد. به همین دلیل فقدان اعتماد اجتماعی برابر با افزایش جرم خواهد بود و وجود جرم قطعاً میزان بالایی از احساس ناامنی را تولید خواهد کرد. لذا افزایش اعتماد اجتماعی چه از طریق کاهش جرم و چه بصورت مستقیم باعث افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود. به نظر پاتنام اعتماد اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است و همکاری و تعاون داوطلبانه، در جایی که ذخیره و انباشتی اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد تبادل و شبکه‌های مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد. سرمایه اجتماعی دلالت بر صورت‌هایی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه‌ها دارد که می‌توانند کارایی جامعه را از طریق کنش‌های متناسب تسهیل کنند (همان: 167). پاتنام در چگونگی فرایند تبدیل اعتماد فردی به اعتماد اجتماعی معتقد است که اعتماد اجتماعی (عمومی) در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مدنی ناشی می‌شود. وی در بحث تقدم و تأخر سه عامل مذکور که منابع سرمایه اجتماعی را می‌سازد معتقد است: «اعتماد اجتماعی به هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهاد‌های همکاری جوانه کارآمد مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص می‌باشد، اما آن

مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مدنی به رفاه اقتصادی کمک می‌نمایند و به نوبه خود نیز توشط این رفاه تقویت می‌شوند» (همان: 309).

پیشنهادهای

- ترمیم و بازسازی سرمایه اجتماعی، با محوریت تولید اعتماد عمومی و نهادی؛
- بهره‌گیری از آیین‌های اعتمادسازی در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان و توجه به مراسم و مناسک ملی که مقوی احساس تعلق و عرق ملی هستند؛
- بهره‌گیری مناسب از سنت‌های محلی؛
- تقویت همکاری و کار تیمی، احترام به قانون و قواعد بازی، تقویت قدرت تحمل دیگران و نیز پایبندی به اصل عدالت و برابری اشاره کرد؛
- پاسخ‌گویی حکمرانان و ترمیم اعتماد مخدوش شده مردم - که عمدتاً به واسطه خلف وعده‌های گذشته صورت گرفته - و راه این کار نیز، نشان دادن و ابراز این نکته است که حقیقتاً از عملی نشدن وعده‌هایشان متأسف هستند؛
- تقویت تعامل، روابط متقابل و تفاهم بین نسلی و حفظ و تقویت نهاد خانواده؛
- بهره‌گیری مناسب و بهینه از مراکز و نهادهای مذهبی چون مساجد و تکایای دینی که نقش قابل توجهی را در حفظ و تقویت تعاملات اجتماعی و گرم جامعه دارند؛
- نظارت بر حسن اجرای قواعد و مقررات حقوقی، در جایی که نهادها و سازمان‌ها به جای آن‌که به علایم ارسال شده از طرف قوانین پاسخ دهند، با استفاده از سیاست رشوه و تماس‌های شخصی، قانون را دور می‌زنند یا آن را زیر پا می‌گذارند. در چنین جوامعی، نظام (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی...) به جای آن‌که شفاف باشد، نیمه‌شفاف یا مات است و در نتیجه در انتظارات و محاسبات افراد، ابهام به وجود خواهد آمد که برآیند آن بی‌اعتمادی و فرسایش سرمایه اجتماعی است.
- تقویت این ایده که اعضای اجتماع خود را مالک موفقیت یا شکست خود در حل مسائل جمعی جامعه‌اشان بدانند.

- تحقق شایسته‌سالاری، پاسخ‌گویی و محیط مساعد حقوقی، ساختارهای مخدوش امتیازدهی و پاداش مادی، توان حاکمیت اجتماعی را در تسهیل روابط کیفی که سنگ بنای توسعه و نظم اجتماعی هستند را محدود و مختل می‌کند.
- رفتارهایی که به برخوردی متفاوت با خودی‌ها و غیرخودی‌ها در یک جامعه منجر می‌شوند، فرساینده سرمایه اجتماعی هستند.

منابع

- افشار، زین العابدین(1385). امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران. پایانامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بحری‌پور و دیگران (1391). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. شماره 4.
- بوزان، باری(1378). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام(1388). احساس امنیت اجتماعی. نشر امیر کبیر، چاپ اول.
- پاتنام، روبرت (1384). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی در کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پاول، فرد (1387). دولت و رفاه در جامعه مدنی در کتاب اعتماد و سرمایه اجتماعی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ریتزر، جورج(1374). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زتومکا، پیوتر (1386). نظریه جامعه‌شناختی اعتماد. ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- دلاور، علی(1380). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی (1386). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره 25، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- عنایت، حمید (1391). «مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان 15-29 سال ساکن شهرهای شیراز و یاسوج». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، س 23، ش 45، ص 85-104.
- فوکویاما، فرانسیس (1379). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.
- کلمن، جیمز (1377). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- کلمن، جیمز (1384). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

- گیدنز، آنتونی (1377). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (1384). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. مترجم ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مودن جامی، محمد هادی (1384). مقدمه‌ای بر امنیت و مؤلفه‌های آن. مجموعه مقالات امنیت عمومی، و پلیس، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول، جلد 2.
- نیازی، محمد و بحری‌پور، علی (1393). «بررسی رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان)». فصلنامه علوم اجتماعی، س 1، ش 24، ص 58-293.
- نادری، حامد و جاهد، مهدی (1389). طراحی الگوی ساختار روابط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در شهر اردبیل. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر.
- ourdieu, P. (1986) The forms of capital in Hand book of theory and research for the sociology of education, greenwood press, New York.
- Cohen, D. and L. Pusak (2001) in Good company How Social capital Makes organizations work. Harvard Business press.
- Coleman, James (1990) Foundations of Social Theory. Cambridge: Harvard University press.
- Coleman, James (1994) Foundations of Social theory. Cambridge: Harward University press.
- MacGillivray, Alex, and Perry Walker(2002)Local Social Capital: Making it Work on the Ground. in Social Capital: Critical Perspectives, edited by Tom Schuller. Oxford: Oxford University Press.
- Portes, A (1998) Social capital: Its origins and applications in modern sociology. Annual review of sociology, 24(1).
- Putnam, R (1993) the Prosperous community; social capital and public life, The American prospect, 4, 130.

